

A Sociological Analysis of the Concept of the “Social Heart” in the Thought of Mohammad Ali Shahābādī, with Emphasis on the Qur’anic Verse of I’ṭiṣām

Mahdi Nasiri¹ , and Hamzeh KhademAli² 

1. Associate Professor, Sociology, Department of Sociology, Social Sciences Research, Institute of Hawzah and University, Qom, Iran. Email: mahdinasiri@rihu.ac.ir
2. PhD student, Social Sciences Research, Institute of Hawzah and University, Qom, Iran. (Corresponding Author) Email: hamzeh.khademali@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

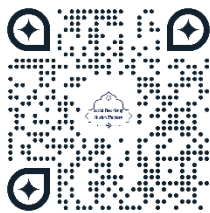
Received: 19 October 2025
Received in revised form: 24 December 2025
Accepted: 06 December 2025
Published online: 21 March 2026

Keywords:

Qur’anic Verse of I’ṭiṣām,
Qur’anic norms, Shah Abadi,
Social Cohesion, Social heart.

ABSTRACT

This study explores Ayatollah Mohammad Ali Shah Abadi’s sociological interpretation of the Qur’anic verse of I’ṭiṣām (Qur’an 3:103) as a foundation for a model of social order in Islamic societies. Shah Abadi introduces the concept of the “social heart” as a framework for reconstructing collective identity and cohesion among believers. Using a qualitative interpretive-analytical method and drawing upon his seminal work *Shazrat al-Ma’arif*, the study demonstrates that the “social heart” consists of three interrelated components: warm social interactions, faith-based fraternal relations, and Qur’anic norms. The findings highlight Shah Abadi’s critique of fragmented and cold social relations, emphasizing that only through affective and epistemic bonds among believers can the community become a vessel for divine guidance. This model not only provides a theoretical framework for analyzing solidarity and collective identity in Islamic societies but also offers practical implications for strengthening social ties and designing cultural interventions in contemporary Muslim contexts.



Cite this article: Nasiri, M., and KhademAli, H. (2026). A Sociological Analysis of the Concept of the “Social Heart” in the Thought of Mohammad Ali Shahābādī, with Emphasis on the Qur’anic Verse of I’ṭiṣām. *Social Theories of Muslim Thinkers*, 16(1); 109-125.
<https://doi.org/10.22059/jstmt.2025.394021.1786>

© Author(s) retain the copyright.

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jstmt.2025.394021.1786>



Introduction

The central problem addressed in this study is the absence of indigenous conceptual models for explaining social order in Islamic societies. Shah Abadi’s thought, particularly his interpretation of Qur’an 3:103, offers a distinctive framework for reconstructing social cohesion through the concept of the social heart.

This study seeks to answer the following questions:

- How can Shah Abadi’s notion of the social heart be sociologically interpreted?
- What mechanisms can be derived from this concept for reconstructing Islamic social order?

Previous studies have examined Shah Abadi’s economic and anthropological ideas; however, none have systematically reconstructed his sociological framework of social cohesion.

Research Method

This study adopts a qualitative, interpretive-analytical approach. It is based on a close textual analysis of Qur’an 3:103 and Shah Abadi’s *Shazrat al-Ma’arif*, contextualized within both classical and contemporary sociological theories.

The methodology emphasizes a structural and contextual interpretation of Qur’anic verses, contrasting Shah Abadi’s holistic approach with reductionist and atomistic readings.

Findings

The analysis identifies three major components of Shah Abadi’s model of the social heart:

- **Warm social interactions:** Emotional and affective exchanges that foster solidarity and prevent alienation.
- **Faith-based fraternal relations:** Brotherhood rooted in shared belief, strengthening collective identity.
- **Qur’anic norms:** Ethical and normative frameworks derived from the Qur’an that regulate social behavior.

Shah Abadi critiques pride, despair, and fragmentation as major obstacles to social cohesion, arguing that only affective and epistemic bonds can sustain a genuinely Islamic society.

Discussion and Conclusion

The findings demonstrate that Shah Abadi’s concept of the social heart provides both a theoretical and practical framework for Islamic sociology. It effectively bridges Qur’anic exegesis with sociological concerns regarding solidarity, identity, and norm formation.

Moreover, the model offers practical guidance for contemporary Muslim societies facing challenges such as fragmentation and cultural domination. It can serve as a conceptual basis for designing interventions aimed at strengthening faith-based ties and reconstructing social order.

Author Contributions: All authors contributed equally to the conceptualization of the article and writing of the original and subsequent drafts.

Funding: This research received no external funding.

Ethical Considerations: The authors avoided data fabrication, falsification, and plagiarism, and any form of misconduct.

Data Availability Statement: Data available on request from the authors.

Informed Consent Statement: Not applicable.

Conflicts of Interest: The authors declare no conflicts of interest in this study, and all authors have read the manuscript and agreed to its publication.

Declaration of AI Use: The authors have used no artificial intelligence tools.

Acknowledgements: The authors would like to thank anonymous reviewers for their valuable suggestions in manuscript revision.

تحلیل جامعه‌شناختی مفهوم «قلب اجتماعی» در اندیشه محمدعلی شاه‌آبادی با تأکید بر آیهٔ اعتماد

مهدی نصیری^۱ , و حمزه خادم‌علی^۲ 

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. رایانامه: mahdinasiri@rihu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. (نویسندهٔ مسئول). رایانامه: hamzeh.khademali@gmail.com

چکیده

یکی از مسائل بنیادین جامعه‌شناسی دینی، تبیین الگوی مطلوب نظم اجتماعی در جوامع اسلامی است. آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی با رویکردی قرآنی و اجتهادی، مدل خاصی از نظم اجتماعی را با عنوان «قلب اجتماعی» صورت‌بندی کرده است. مسئلهٔ اصلی این پژوهش آن است که براساس آیهٔ ۱۰۳ سورهٔ آل‌عمران، چگونه می‌توان از اندیشهٔ شاه‌آبادی، الگویی بومی برای بازسازی جامعهٔ اسلامی استخراج کرد. پژوهش حاضر به روش تحلیلی-تفسیری و بر پایهٔ کتاب شذرات المعارف، نشان می‌دهد قلب اجتماعی متشکل از سه مؤلفهٔ تعاملات اجتماعی گرم، رابطهٔ اجتماعی مبتنی بر اخوت ایمانی و هنجارهای قرآنی است. شاه‌آبادی با نقد گسست‌های اجتماعی و روابط سرد، تأکید دارد که فقط از رهگذر پیوند عاطفی و معرفتی قلوب مؤمنان می‌توان ظرف نزول معارف قرآن بر جامعه را فراهم ساخت. نتیجهٔ تحقیق بیانگر آن است که مدل «قلب اجتماعی» نه تنها چارچوبی نظری برای تحلیل انسجام و هویت جمعی در جامعهٔ اسلامی عرضه می‌کند، بلکه ظرفیت کاربردی برای بازسازی روابط اجتماعی و تقویت پیوندهای ایمانی در شرایط معاصر را نیز دارد. این الگو می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای نظریه‌پردازی اجتماعی اسلامی و طراحی مداخلات فرهنگی و اجتماعی در جوامع مسلمان مورد استفاده قرار گیرد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

کلیدواژه‌ها:

آیهٔ اعتماد، تعاملات اجتماعی گرم، شاه‌آبادی، قلب اجتماعی، نظم اجتماعی.

استناد: نصیری، مهدی؛ و خادم‌علی، حمزه (۱۴۰۵). تحلیل جامعه‌شناختی مفهوم «قلب اجتماعی» در اندیشهٔ محمدعلی شاه‌آبادی با تأکید بر آیهٔ اعتماد. *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، ۱۶(۱): ۱۲۵-۱۰۹.

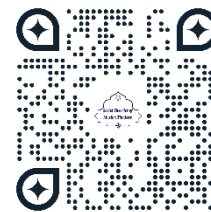
<https://doi.org/10.22059/jstmt.2025.394021.1786>



© نویسندگان.

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jstmt.2025.394021.1786>



مقدمه و بیان مسئله

یکی از چالش‌های بنیادین جامعه‌شناسی دینی، نبود مدل‌های مفهومی بومی برای تبیین نظم اجتماعی در جوامع اسلامی است. اغلب نظریه‌های موجود در این حوزه، متکی بر سنت‌های فکری غربی‌اند و کمتر به ظرفیت‌های نهفته در میراث فکری و فلسفی اسلامی توجه شده است. در این میان، اندیشه‌های آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی در کتاب *شذرات المعارف*، به‌ویژه در پرتو آیه ۱۰۳ *سوره آل‌عمران*، امکان ارائه الگویی متمایز از نظم اجتماعی را فراهم می‌سازد؛ الگویی که بر پیوند قلوب مؤمنان، انسجام جمعی و شکل‌گیری هویت اجتماعی مشترک تأکید دارد.

با وجود این ظرفیت، تاکنون تلاش جدی برای بازسازی و صورت‌بندی جامعه‌شناختی مفهوم «قلب اجتماعی» در اندیشه شاه‌آبادی صورت نگرفته است. این مفهوم در نگاه او نه صرفاً یک استعاره عرفانی، بلکه سازوکاری برای تحقق انسجام اجتماعی در جامعه اسلامی است؛ سازوکاری که می‌تواند به‌عنوان مبنای نظری برای بازسازی نظم اجتماعی و مقابله با آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی عمل کند. شاه‌آبادی با تکیه بر این مبانی قرآنی تلاش کرده است تا مدلی از نظم اجتماعی مبتنی بر «قلب اجتماعی» ارائه دهد؛ مدلی که در آن روابط اجتماعی، تعاملات انسانی و هنجارهای مطلوب، بر محور پیوند قلب‌ها و انسجام روحی جامعه شکل می‌گیرد.

بنابراین مسئله اصلی این پژوهش این است که مفهوم «قلب اجتماعی» در اندیشه آیت‌الله شاه‌آبادی براساس آیه ۱۰۳ *سوره آل‌عمران* چیست و این مفهوم چگونه می‌تواند به‌عنوان الگویی برای بازسازی نظم اجتماعی در جامعه اسلامی صورت‌بندی شود. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، تاکنون پژوهشی با تمرکز ویژه بر مفاهیم بنیادین جامعه‌شناختی و با هدف استخراج چارچوب‌های اجتماعی از اندیشه‌های آیت‌الله شاه‌آبادی، به‌ویژه با تکیه بر آیه اعتصام، صورت نگرفته است. اغلب پژوهش‌های موجود، در چارچوب سنتی یا فلسفی، و حداکثر با رویکردی توصیفی به مباحث اجتماعی پرداخته‌اند.

با این حال، دو مقاله به‌طور غیرمستقیم زمینه‌ساز شکل‌گیری مفهومی مانند «قلب اجتماعی» بوده‌اند. مقاله یوسفی (۱۳۹۴) به بررسی الگوی اقتصادی آیت‌الله شاه‌آبادی می‌پردازد و نشان می‌دهد او با آسیب‌شناسی اوضاع اقتصادی زمان خود، ریشه اصلی مشکلات اقتصادی را سلطه نظام‌های اقتصادی غربی و شرقی در ایران و دیگر کشورهای اسلامی می‌داند و الگوی اقتصادی متمایزی مبتنی بر مبانی هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی آموزه‌های اسلامی ارائه کرد. مقاله انصاری مقدم (۱۳۹۸) به بررسی نظریه فطرت آیت‌الله شاه‌آبادی و دلالت‌های آن در گونه‌شناسی کنش اجتماعی می‌پردازد و نشان می‌دهد از دیدگاه آیت‌الله شاه‌آبادی، فطرت انسان دارای ابعاد گوناگونی است که از جمله آن‌ها می‌توان به بعد اجتماعی اشاره کرد. براین اساس، کنش‌های اجتماعی انسان نیز تحت تأثیر این فطرت شکل می‌گیرند.

مبانی نظری

مبانی نظری این پژوهش با دو هدف تدوین شده است: نخست، ایضاح مفاهیم بنیادین مورد استفاده در مقاله و دوم، بازسازی بستر نظری لازم برای تبیین «قلب اجتماعی» در اندیشه آیت‌الله شاه‌آبادی.

مفاهیم

واژه قلب، عنوان محوری و اساسی این پژوهش است. مراد از قلب در علوم مختلف، یکسان نیست. قلب در این مطالعه براساس تعریف قرآن، کانون عواطف و احساسات انسانی یا به تعبیر دیگر کانون گرایش‌ها است (شاه‌آبادی، ۱۴۰۲: ۱۶ و ۱۲۷). مفهوم دیگر فطرت است که شاه‌آبادی آن را ساختمان وجودی انسان می‌داند و پایه و اساس فطرت را عشق معرفی می‌کند (همان: ۱۲۷). به عبارت دیگر او عشق را صفت ذاتی انسان می‌داند (همان: ۱۸). درنهایت، مفهوم سوم قلب اجتماعی است. انسان‌ها از طریق روابط اجتماعی با یکدیگر،

هویت اجتماعی خود را شکل می‌دهند و به وحدت دست می‌یابند. بدون احساس هویت جمعی و اتحاد میان اعضای جامعه، ادامه حیات اجتماعی میسر نخواهد بود. شاه‌آبادی به تبیین این حکم اجتماعی در قالب مفهوم قلب اجتماعی پرداخته است.

نظریه‌ها

کارکرد این بخش فراهم‌سازی چارچوب مفهومی لازم برای تحلیل اندیشه شاه‌آبادی است. مسئله اصلی مؤسسان جامعه‌شناسی مدرن، نظم از دست‌رفته جوامع غربی در اثر پیدایش انقلاب صنعتی و دستیابی به نظم اجتماعی نوین بود (ریترز، ۱۳۷۴: ۷). در واقع نظم اجتماعی و انسجام جمعی، از مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان کلاسیک جامعه‌شناسی بوده است. پیدایش جوامع مدرن و تغییرات ناشی از انقلاب صنعتی، مسئله فروپاشی نظم سنتی و چگونگی ایجاد انسجام جدید را به کانون توجه نظریه‌پردازان غربی تبدیل کرد. در این بخش، به اختصار به برخی از مهم‌ترین دیدگاه‌ها اشاره می‌شود.

آگوست کنت^۱

کنت که تجربه فروپاشی نظم فئودالی و آشفتگی‌های پس از انقلاب کبیر فرانسه را از نزدیک دیده بود، مهم‌ترین پرسش خود را چنین طرح کرد: چگونه می‌توان نظم اجتماعی را بازسازی کرد؟ او پاسخ این پرسش را در ایجاد «وفاق ذهنی» و توافق مشترک میان افراد جامعه یافت. از نگاه کنت، نظم اجتماعی محصول همبستگی فکری و ارزشی میان افراد است و تا زمانی که وفاق عمومی وجود داشته باشد، جامعه ثبات خواهد داشت (آرون، ۱۳۶۳). برقراری نظم پیشین در طول قرن‌ها به علت وجود وفاق آن روزگار درباره آن نظم بوده و نابودی توافق عمومی درباره آن نظم موجب نابودی آن نظم شده است و چون هنوز توافق جدیدی ایجاد نشده نظم نوین هم استقرار نیافته است (صدیق اورعی، ۱۴۰۲: ۱۹۸).

امیل دورکیم^۲

دورکیم با بررسی آثار کنت و اسپنسر و نقد آن‌ها توجه خود را بر همبستگی اجتماعی و آثار و شدت و ضعف آن و نیز بر میزان تقسیم‌کارهای اجتماعی و نسبت آن با نوع همبستگی و میزان آن و تأثیر متغیر اخیر بر وضعیت هنجاری جامعه متمرکز کرد (صدیق اورعی، ۱۴۰۲: ۲۰۵). او با الهام از کنت، مسئله اصلی جامعه‌شناسی را بررسی «انسجام اجتماعی» دانست. او در کتاب درباره تقسیم‌کار اجتماعی، همبستگی را به دو گونه مکانیکی و ارگانیک تقسیم کرد. در جوامع سنتی، انسجام براساس شباهت‌ها و باورهای مشترک است (همبستگی مکانیکی)، اما در جوامع مدرن، تقسیم‌کار گسترده سبب وابستگی متقابل افراد و در نتیجه انسجام ارگانیکی می‌شود. دورکیم همچنین در کتاب خودکشی نشان داد تضعیف هنجارها (آنومی) یکی از تهدیدهای جدی انسجام اجتماعی است. تحولات تقسیم‌کار اجتماعی موجب تحول سازمان‌های اجتماعی می‌شد. در نگاه دورکیم تفاوت دوران مدرن و پیشامدرن در نوع تقسیم‌کار است (دورکیم، ۱۳۶۹: ۷۴-۶۰).

تالکوت پارسونز^۳

پارسونز به‌عنوان نظریه‌پرداز نظم اجتماعی در قرن بیستم، نظام اجتماعی را متکی بر ارزش‌های مشترک قلمداد می‌کند و نظام ارزشی مورد قبول اکثریت را عامل اصلی نظم اجتماعی می‌داند (صدیق اورعی، ۱۴۰۲: ۱۹۹).

^۱. Auguste Comte

^۲. Émile Durkheim

^۳. Talcott Parsons

به‌طورکلی، نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی درباره‌ی نظم اجتماعی، هرچند در بستر تجربه‌ی غربی شکل گرفتند، اما نقطه‌ی مشترک آن‌ها تأکید بر ضرورت وفاق، هنجارها و ارزش‌های مشترک برای انسجام جامعه است. بیان این نظریه‌ها می‌تواند زمینه‌ای برای فهم بهتر دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی در باب انسجام و نظم اجتماعی فراهم آورد. اندیشمندان کلاسیک دین را امری لازم و باارزش می‌دانستند و راهی هم برای جامعه‌ی جدید جز بازگشت به دین نمی‌شناختند، اما دین سنتی را به‌عنوان منبعی برای ایجاد نظم نوین ناکافی دانستند. کنت دین انسانی را مطرح کرد (کوزر، ۱۳۸۷: ۳۶) که سر از هیومنیزم و انسان‌پرستی درآورد (آرون، ۱۳۶۳: ۱۳۵). دورکیم نیز اعلام کرد خداوند چیزی جز همان جامعه نیست (دورکیم، ۱۳۸۳: ۲۸۱) و شریعت نیز همان هنجارهای اجتماعی است که به رفع نیازهای جامعه می‌پردازد و سر از سوسیالیسم یا جامعه‌پرستی درآورد (همان: ۲۹۲).

در حقیقت قدر مشترک بین جامعه‌شناسی غربی روگردانی از مبانی دینی برای بازسازی نظم نوین اجتماعی است که به صورت‌های مختلفی ظهور و بروز یافته است. تفاوت رویکرد آیت‌الله شاه‌آبادی این است که او در مواجهه با تمدن مدرن غرب مقهور نمی‌شود، بلکه با فعال‌سازی ظرفیت‌های نهفته در مبانی و معارف دینی به بازسازی نظم نوین برای جامعه‌ی اسلامی همت می‌گمارد که به مبانی و معارف دینی کاملاً وفادار است. او با محور قرار دادن آیه ۱۰۳ سوره مبارکه آل‌عمران، تلاش می‌کند تا با شناسایی و تأکید بر مفاهیم موجود در این آیه، تبیینی از شرایط جامعه و راه دستیابی به مدلی از نظم جدید را ارائه کند. مدلی که مبنای انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) قرار گرفت، بسیاری از جامعه‌شناسان را به شگفتی واداشت؛ تا آنجا که برخی از آنان از این رخداد به‌عنوان «روحي در جهاني بی‌روح» یاد کردند (فوکو، ۱۴۰۱). اگر بخواهیم اندیشه‌های آیت‌الله شاه‌آبادی را در قالب مفاهیم و ادبیات جامعه‌شناسی بازخوانی کنیم، می‌توان گفت او در پی تبیین پیوند میان تعامل اجتماعی، روابط اجتماعی و شکل‌گیری هنجارهای مطلوب در جامعه بوده است؛ موضوعی که در ادامه به تفصیل بررسی خواهد شد.

روش تحقیق

این پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیلی-تفسیری انجام شده و بر تحلیل آیه ۱۰۳ سوره آل‌عمران (آیه اعتصام) و آثار مکتوب آیت‌الله شاه‌آبادی، به‌ویژه کتاب شذرات المعارف مبتنی است. در این مطالعه، مفاهیم اجتماعی نهفته در متن آیه و نگاه تفسیری مؤلف با زبان جامعه‌شناختی بازخوانی و ساختاردهی می‌شود. آیت‌الله شاه‌آبادی در مواجهه با این آیه، رویکردی ساختاری و سیاق‌محور در تفسیر قرآن اتخاذ می‌کند که آن را می‌توان در تقابل با نگاه رایج جزیره‌ای (اتمیک) در برخی روش‌های سنتی تفسیر دانست. در رویکرد جزیره‌ای، آیات به‌صورت منفصل و مجزا بررسی می‌شوند و عنصر سیاق و پیوستگی درونی آیات مورد توجه قرار نمی‌گیرد (صدر، ۱۳۵۹: ۷). در مقابل، رویکرد ساختاری که در میان بسیاری از مفسران معاصر از جمله علامه طباطبایی نیز مشاهده می‌شود، قرآن را متنی یکپارچه و نظام‌مند می‌بیند که میان اجزای آن پیوند معنایی برقرار است. در این نگاه، مفسر برای تفسیر سوره، به دنبال کشف غرض سوره به‌عنوان روح کلی جاری در همه آیات است (معرفت، ۱۳۸۸: ۳۳۴). این در حالی است که برخی مفسران، با تأکید بر نگاه جزیره‌ای، با وحدت غرض سوره‌ها به‌صورت مطلق، مخالفت کرده‌اند. برخی نیز پا را فراتر گذاشته و حجیت سیاق را مورد تردید قرار داده‌اند. یکی از مفسران معاصر می‌گوید: «اینکه بعضی از مفسرین اصرار دارند، ارتباطی میان تمام آیات یک سوره یا حتی دو سوره برقرار سازند و بحث‌هایی تحت عنوان نظم آیات ترتیب داده‌اند، این اصرار هیچ موردی ندارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۰۶). در نگاه غیرساختاری، بر قرائن برون‌متنی همچون روایات تأکید بیشتری می‌شود؛ درحالی‌که نگاه ساختاری بیشتر بر قرائن درون‌متنی تأکید می‌کند. پژوهش حاضر ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های تفسیری و کلامی، رویکردی میان‌رشته‌ای در تلفیق آموزه‌های دینی و نظریه‌پردازی اجتماعی اتخاذ کرده است.

یافته‌های پژوهش

در این بخش اندیشه‌های آیت‌الله شاه‌آبادی بررسی و مفاهیم استخراج‌شده به شرح ذیل بیان می‌شود.

تعامل اجتماعی^۱

در نگاه جامعه‌شناسانه، تعامل اجتماعی زیربنای شکل‌گیری حیات اجتماعی است (صدیق اورعی، ۱۴۰۲: ۳۴). آیت‌الله شاه‌آبادی نیز در تحلیل خود از جامعه اسلامی، نقطه آغاز را «کنش اجتماعی» و در امتداد آن، «تعامل اجتماعی» قرار می‌دهد. از منظر او، تعامل اجتماعی زیربنای شکل‌گیری حیات اجتماعی است. از نظر وی، اگر کنش و تعامل اجتماعی به‌درستی شکل نگیرد، آثار منفی و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن، پیامدهای گسترده‌ای برای جامعه در پی خواهد داشت. مظاهر تمدن غرب که به‌سرعت در حال ورود به ایران است و شاه‌آبادی را نگران کرده، دارای پیشینه تاریخی روشنی است که در آثار اندیشمندان بزرگ جامعه‌شناسی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. انقلاب صنعتی تعاملات گرم موجود در جوامع سنتی را به تعاملات خنثی و رابطه اجتماعی را به رابطه‌ای سوداگرانه و مبتنی بر منافع شخصی تبدیل می‌کرد؛ چرا که تا پیش از تقسیم‌کار مدرن، مردم در رفع نیازهای روزمره خود به شکل آشکاری به یکدیگر وابسته بودند و نیازهای یکدیگر را برطرف می‌ساختند و همین مسئله تعاملات عاطفی گرم را میان آن‌ها تقویت می‌کرد. با انقلاب صنعتی و نیاز روزافزون کارخانه‌ها به کارگران، نیاز افراد به یکدیگر رنگ می‌بخت و همه نیازمند محصولات کارخانه‌ها می‌شدند. این مسئله تعاملات گرم را تضعیف می‌کرد و به‌سوی تعاملات سرد خنثی سوق می‌داد (دورکیم، ۱۳۶۹: ۱۲۷ و ۱۳۴).

از نگاه شاه‌آبادی، جامعه ایرانی گرفتار نوعی بیماری مزمن در ساحت تعاملات اجتماعی است؛ بیماری‌ای که صرف ابراز تأسف و انتقاد از آن کافی نیست، بلکه نیازمند درمانی بنیادین و بازسازی سازوکارهای تعامل اجتماعی است (شاه‌آبادی، ۱۴۰۲: ۲۵-۲۶). او در آسیب‌شناسی خود، چهار عامل اساسی را در افول جامعه مؤمنان برمی‌شمارد: غرور مسلمانان به حقانیت خود، ناامیدی از دستیابی به سعادت، پراکندگی و تفرقه، و نداشتن بیت‌المال.

و بر کنش اجتماعی را دارای بروز بیرونی می‌دانند که به شکل معناداری به‌سوی انسانی دیگر جهت‌گیری شده باشد (و بر، ۱۳۸۵: ۸۰)، ولی برخی دیگر از جامعه‌شناسان تصریح کرده‌اند که در فهم جامعه‌شناسانه مضایقه و کناره‌گیری از کنش‌های مورد انتظار یا همان تعامل‌گریزی، خود یک عمل معنادار است و این‌طور نیست که عمل فقط انجام‌دادن باشد، بلکه انجام‌دادن نیز عمل است (صدیق اورعی، ۱۴۰۲: ۴۱). دو عامل اخیر در کلام آیت‌الله شاه‌آبادی دلالت آشکاری بر کنش‌های اجتماعی و اقتصادی دارند، اما او دو عامل نخست یعنی غرور و ناامیدی را تحت کنش اجتماعی قرار می‌دهد و با این کار زمینه توسعه در مفاهیم کنش اجتماعی و تعاملات در مدل نظری خود را ایجاد می‌کند. غرور و ناامیدی تا در افکار شخصی فرد است بعد اجتماعی پیدا نمی‌کند، ولی همین نگرش‌های ذهنی هنگامی که متوجه دیگران است، کنش و عمل اجتماعی به‌شمار می‌آید و وقتی به‌مثابه یک نگاه اجتماعی میان کنشگران شیوع پیدا می‌کند و موجب مضایقه و کناره‌گیری از کنش‌های مورد انتظار می‌شود، خود نوعی از تعامل اجتماعی است که اگر در مواجهه با یک تمدن بیگانه مهاجم رخ دهد و موجب تحویل‌دادن میدان تعاملات اجتماعی به دشمن شود، منشأ آسیب‌های اساسی خواهد بود.

او بحث خود را با تأکید بر دو عامل غرور به حقانیت و یأس از ظهور آغاز می‌کند و معتقد است این دو عامل مانع بروز کنش‌های اجتماعی مورد انتظار در جامعه شده است. او درک می‌کند که عمل و تعامل اجتماعی از لحاظ بار هیجانی و عاطفی می‌توانند واجد یا فاقد بار هیجانی و عاطفی باشند و غرور و یأس دو عاملی هستند که بار عاطفی و انگیزشی دارند. این دو عامل در میان کنشگران از سطح هیجانی فراتر رفته و به شکل عاطفه منفی درآمده‌اند؛ به‌طوری‌که مانع شکل‌گیری تعاملات اجتماعی می‌شوند و این عدم تعامل خود نوعی عمل اجتماعی سرد است که موجب تحویل میدان اجتماع به دشمنان شده است. شاه‌آبادی بحث را از کنش‌های اجتماعی و تعامل‌های اجتماعی آغاز می‌کند. او معتقد است اسلام و معارف آن با حیات انفرادی تناسب ندارد، بلکه معارف آن مبتنی بر تعاملات اجتماعی گرم است. او با تأکید بر قبول هدیه، قبول دعوت، عیادت بیمار، قرض‌دادن و... بر ضرورت کنش‌های اجتماعی گرم در جامعه تأکید می‌کند

¹. Social Interaction

(شاه‌آبادی، ۱۴۰۲: ۱۰۵). سنگ‌بنای جامعه تعاملات گرم^۱ است. با تعاملات خنثی ممکن است زندگی روزمره بگذرد و به‌نوعی کارها پیش برود، اما جامعه و گروه که مستلزم پیوند همبستگی است به‌وجود نمی‌آید. خشت اول یک گروه کوچک یا متوسط یا بزرگ مثل جامعه، تعاملات گرم مبتنی بر عاطفه مثبت است. انواع تعاملات گرم مستمر سبب می‌شود کم‌کم احساس مثبت آن به فاعلان اعمال هم سرایت کند و احساس مابودن و انسجام و همبستگی اجتماعی شکل گیرد و تقویت شود (آخوندی و ایازی، ۱۳۸۹: ۲۰۸). علاوه‌براین تعاملات گرم برابر نیز با اینکه کنش‌های ارزشمندی هستند، اما اگر کسی بخواهد در این نوع از کنش متوقف شود و به آن بسنده کند و آن را اساس تشکیل گروه و جامعه قرار دهد باز هم مشکل‌ساز خواهد بود. تعاملات گرم برابر هم نمی‌تواند سنگ‌بنای خوبی برای شکل‌گیری گروه یا جامعه یا امت یا تمدن باشد؛ چرا که همواره در تعاملات یک پیش‌فرض ذهن کنشگران را مشغول می‌دارد و آن اینکه من به شرطی خوبی می‌کنم که به همان میزان خوبی بینم و اگر طرف مقابل من میزان کمتری توجه از خود نشان دهد، قبول ندارم و رابطه را قطع می‌کنم. چنین تعاملی همواره در آستانه ورود شک و تزلزل و تهدید به انقطاع است. آیت‌الله شاه‌آبادی مشکل جامعه دوران خود را ضعف تعاملات اجتماعی مطلوب در جامعه و میان مؤمنان به‌عنوان کنشگران اجتماعی می‌داند.

در اندیشه آیت‌الله شاه‌آبادی، تضعیف تعاملات اجتماعی مطلوب، به‌ویژه در میان مؤمنان، موجب واگذاری میدان جامعه به دشمنان شده و زمینه‌ساز سلطه گفتمان‌های بیگانه شده است. او تأکید می‌کند که ارتباط قلبی انسان با خداوند، عامل حیاتی گرمی و پایداری روابط انسانی است و اگر این پیوند الهی از تعاملات حذف شود، جامعه به تدریج دچار گسست‌های درونی و بحران هویت خواهد شد. در چنین شرایطی، جامعه منسجم و منظم می‌نماید، اما در باطن، تعارض و واگرایی میان اجزای آن جریان دارد؛ تعارضی که در نهایت به فروپاشی منجر می‌شود. این همان جامعه‌ای است که قرآن درباره‌اش می‌فرماید: گمان می‌کنی متحدند، ولی دل‌هایشان پراکنده است (حشر: ۱۴).

رابطه اجتماعی^۲

تعاملات اجتماعی نیازمند بستری است که تعامل در آن رخ دهد. در اصطلاح جامعه‌شناسی این بستر «رابطه اجتماعی» نامیده می‌شود. رابطه اجتماعی انتزاعی است از ویژگی‌های هزاران تعامل که بین دو نفر یا دو گروه اتفاق می‌افتد. گنورگ زیمل^۳ با تمرکز بر تعامل‌ها و با این فرض که عمل اجتماعی و تعامل واقعیتی روان‌شناختی است و نه موضوع جامعه‌شناسی، موضوع جامعه‌شناسی را اموری می‌داند که پس از عمل رخ می‌دهد. او به این نتیجه می‌رسد که رابطه‌ای که در این تعامل‌ها وجود دارد، پدیده‌ای نوظهور و واجد خصوصیات جامعه‌شناختی است که آن را «صورت اجتماعی» و «فرم اجتماعی» می‌نامد. از نظر او، جامعه‌شناسی مطالعه همین صورت‌ها و فرم‌های اجتماعی نظیر رابطه فرماندهی، همکاری، مشارکت، ستیزه، جنگ، رقابت و... است. هر رابطه اجتماعی ای لوازم و اقتضانات خاص خود را دارد. وقتی رابطه رقابت است، انسان‌ها برای موفقیت، توانایی‌های خود را افزایش می‌دهند، اما در رابطه ستیزه تلاش می‌کنند تا توانایی‌های طرف مقابل را کاهش دهند تا پیروز شوند. یکی از پیامدهای ناخواسته رقابت، تحکیم ارزش‌های متناسب با آن است؛ برای مثال، در مسابقه دوومیدانی، ارزش به سرعت و استقامت و در رقابت‌های علمی به تسلط بر جزئیات مطالب است. هر کس بیشتر واجد این ارزش باشد برتر است و همه طرف‌های دخیل باور دارند که سرعت و مقاومت یا تسلط بر جزئیات مطالب، امری ارزشمند است. اما رابطه ستیزه به معنای ازبین‌بردن توانایی دیگری است. در اینجا ارزش تعالی و کمال نیست، بلکه پایین نگه‌داشتن دیگران با ازبین‌بردن توانایی یا امکان رقابت مانند تقلب است. به‌طور طبیعی، این اقتضانات، تعاملات و کنش‌های همسو با خود را تقویت و کنش‌های ناهمسو را تضعیف می‌کند. تمدن غرب هم‌زمان با ورود به جامعه اسلامی، ضمن تضعیف کنش‌های گرم و سوق‌دادن آن به سوی غلبه کنش‌های خنثی، با

¹. Warm Social Interactions

². Social Bond

³. Georg Simmel

تأکید بر تحصیل حداکثر سود و منفعت شخصی، رابطه اجتماعی را نیز به سوی رقابت، بلکه ستیزه سوق داد؛ به طوری که به مرور و برای تصاحب موقعیت شغلی بهتر، افراد به تعاملات سرد گرایش پیدا کردند.

شاه‌آبادی پس از تأکید بر ابتدای معارف اسلامی بر تعاملات اجتماعی گرم، به تبیین رابطه اجتماعی می‌پردازد و مفهوم اجتماعی اخوت را زمینه و بستر شکل‌گیری و تقویت تعاملات اجتماعی گرم در جامعه معرفی می‌کند (شاه‌آبادی، ۱۴۰۲: ۷۴). رابطه اجتماعی از منظر جامعه‌شناسی اهمیت بسزایی دارد؛ چرا که به‌عنوان ظرف کنش‌های گرم، نقش اساسی و مهمی در معنادگی به این کنش‌ها ایفا می‌کند. ظرف آلوده غذای پاک را نیز آلوده خواهد کرد؛ برای مثال، هدیه که نماد کنش گرم نابرابر است، اگر در بستر چشم‌وهم‌چشمی میان خانواده‌ها قرار گیرد، به عنصری سرد تبدیل می‌شود و چیزی که در طول تاریخ نماد تعامل گرم بوده به موضوعی جدایی‌آمیز تبدیل می‌شود. به همین دلیل آیت‌الله شاه‌آبادی بر حفظ و تقویت رابطه اجتماعی اخوت در جریان تعاملات و کنش‌های اجتماعی تأکید ویژه‌ای دارد: «...قبول هدیه نمودن خصوصاً اگر کم بوده باشد... و چون رد کند بدون جهت عقلایی، دلیل بر عدم انس و خروج از انسانیت و اتصاف به فرعونیت است... اجابت دعوت نمودن خصوصاً اگر دعوت‌کننده به‌حسب مقام کوچک‌تر بوده باشد، کاشف از مهربانی و انس است... آنکه باید تعدیلی کند در ما حضر و ما‌حصل نسبت به میهمان و دیگران؛ نه آنکه تمام را برای او حاضر کند و عیال را محروم سازد که این نیز موجب نقض غرض است و مانع از حدوث الفت، بلکه شاید در بعضی موجب بغضاء شود» (شاه‌آبادی، ۱۴۰۲: ۱۱۲).

در حقیقت، رابطه اجتماعی نقش محافظ تعاملات و کنش‌های گرم اجتماعی را ایفا می‌کند و محبت خداوند، سوخت محرک آن است (آخوندی و ایازی، ۱۳۸۹: ۲۰۷). جامعه‌ای که محبت خدا در آن نقش‌آفرینی نمی‌کند، روابط گرمی را که در طول تاریخ اساس انسجام اجتماعی بوده‌اند خنثی می‌کند و جابه‌جایی روابط ایجاد می‌شود. وقتی پیوندهای حقیقی قطع می‌شود، جامعه ناگزیر از شکل‌دهی به پیوندهای غیراصیل شبه‌حقیقی یا شبه‌پیوند است. رابطه‌های عاشقانه و دوستی‌های زودگذر، جانشین رابطه‌های عمیق و پایدار خانوادگی و خویشاوندی، و گروه‌دوستان با روابط قراردادمحور مبتنی بر منفعت، جانشین خانواده محبت‌محور با تعامل گرم نابرابر می‌شود. تعاملات و رابطه اجتماعی، هنجارهای متناسب با خود را نهادینه می‌کند. از اینجا او به سومین مفهوم اجتماعی مهم، یعنی هنجارهای اجتماعی، منتقل می‌شود.

هنجارهای اجتماعی^۱

انسان‌ها از طریق تعامل با یکدیگر در بستر رابطه اجتماعی، زندگی اجتماعی خود را شکل می‌دهند. بدون احساس هویت جمعی و اتحاد میان اعضای جامعه، ادامه حیات اجتماعی میسر نخواهد بود. در قرآن، دعوت انسان‌ها به اجتماع و اتحاد به‌صورت دعوت به اقامه دین و پرهیز از تفرقه مردم پیشنهاد شده است که نشان می‌دهد تنها ضامن اجرای تحقق جامعه مطلوب، دین است (طباطبایی، ج ۴: ۱۴۷). در حقیقت دین، منبع هنجارهای مطلوب برای تشکیل جامعه آرمانی است. بر همین اساس قرآن کریم از اهل کتاب می‌خواهد که کتاب آسمانی خود را به پا دارند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ» (مانده: ۶۸) و تأکید می‌کند که در صورت عدم اقامه تورات و انجیل، پایگاه و تکیه‌گاه قابل‌اعتمادی نخواهند داشت (همان، ج ۶: ۹۳). قرآن از مسلمانان نیز می‌خواهد که حول محور کتاب آسمانی خود گرد هم آیند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل‌عمران: ۱۰۳). این آیه به قرینه دو قید «جمیعاً» و «ولا تفرقوا» در پی بیان حکم جامعه است (همان، ج ۳: ۵۷۲).

آیت‌الله شاه‌آبادی شاهد ورود مظاهر تمدن غرب به ایران و در پی آن، تضعیف روزافزون هنجارهای قرآنی در جامعه بود؛ شرایطی که هر اندیشمند اجتماعی را به تفکر عملیاتی درباره جامعه و ارائه راهکار برای اصلاحات اجتماعی می‌کشاند. همین روند پس از انقلاب

^۱. Social Norms

صنعتی در اروپا به‌وجود آمد و جامعه‌شناسان بزرگی را به خود مشغول کرد. دورکیم پس از مشاهده روند تضعیف هنجارها در جامعه تلاش‌های خود را بر تحلیل پدیده خودکشی و ارتباط آن با تضعیف هنجارها پس از انقلاب معطوف ساخت (دورکیم، ۱۳۷۸: ۲۴۰-۲۴۸). جالب است که شاه‌آبادی نیز در مواجهه با مسئله تضعیف هنجارها در جامعه به سراغ مفهوم خودکشی می‌رود، اما برخلاف دورکیم، این پدیده را در سطح رابطه اجتماعی و نه کنش اجتماعی تبیین می‌کند که به‌وضوح صبغه اجتماعی آن قوی‌تر است. او معتقد است نحوه ورود صنایع مختلف که مظاهر تمدن غرب‌اند به جامعه ایرانی، در بستری معیوب در حال رخ‌دادن است که اگر به آن اکتفا شود و کشور از کاروان علم و صنعت دور بماند، سررشته تمامی نیازمندی‌ها در دست دشمن قرار خواهد گرفت و استمرار آن می‌تواند جامعه را در کلیت خود به‌سوی خودکشی و انهدام و فروپاشی بکشاند. او می‌نویسد: «این معیشت فعلی که از رشحات معیشت دشمن است البته باقی نخواهد ماند و محکوم خواهد بود به اعدام، بلکه کمال علم و عمل دشمن و قوت حیات او و تدبیر در جریان تجارتش موجب تعطیل قوای عامله و نقص در ما شده. علماً و عملاً نظیر قوت حیات ذابح که مذبح را به آن مقام رسانیده و با وجود آن به همان حرکت تقلصی قانع است و جست‌وخیزی می‌نماید. غافل از آنکه به اندک زمانی فانی خواهد گشت» (شاه‌آبادی، ۱۴۰۲: ۸۱).

آیت‌الله شاه‌آبادی در مواجهه با جامعه زمان خود با این پرسش روبه‌رو می‌شود که چرا با آنکه قرآن خود را تنها نسخه نجات‌بخش بشر معرفی می‌کند، جامعه ایرانی تا این پایه گرفتار سقوط و انحطاط شده است. او در ابتدای کتاب خود می‌نویسد: «مدت‌زمانی است که مملکت اسلام مبتلا به امراض مزمنه و مهلکه شده. انتشار عقاید باطله و اخلاق رذیله و افعال قبیحه به حدی است که نمی‌توان جامعه را نسبت به انسانیت داد. فضلاً عن الاسلامیه» (همان: ۲۵).

شاه‌آبادی به دنبال راهی برای اتصال جامعه به هنجارهای قرآنی است؛ چرا که وحدت بر مبنای دین الهی و کتاب خدا تنها عامل نجات از اختلافات و نابسامانی‌های اجتماعی است (آخوندی و ایازی، ۱۳۸۹: ۲۰۶). جریان قرآن در زندگی انسان نیازمند زمینه مناسب برای دریافت معارف قرآن است. اما قرآن حقیقتی عظیم و سنگین است و جریان هنجارهای قرآنی در جامعه به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. قرآن قلب را جایگاه نزول خود معرفی می‌کند. قلب در منظومه معارف اسلامی از جایگاه بسیار والا و رفیعی برخوردار است. تأکید فراوان بر قلب در آیات قرآن و همچنین روایات معصومان، توجه اندیشمندان اسلامی را در طول تاریخ به خود معطوف داشته است. هرچند ادیبان، فیلسوفان و مفسران فراوانی درباره قلب سخن‌ها گفته‌اند و عرفا قلب را کانون مباحث عرفان اسلامی قرار داده‌اند، اما در کلیت خود، توجه شایسته‌ای به ابعاد اجتماعی قلب نداشته‌اند. آیت‌الله شاه‌آبادی با درک عمیق و تشخیص خلأ موجود، بر ابعاد اجتماعی قلب تأکید ورزید و ذیل آیه ۱۰۳ از سوره مبارکه آل‌عمران، تبیینی بدیع ارائه کرد. او با پیوند میان مفاهیم بنیادین پیش‌گفته بر پایه اتحاد و ائتلاف قلوب مؤمنان دست به تأسیس و خلق مدلی می‌زند که ما آن را «قلب اجتماعی» نامیده‌ایم. او تشکیل قلب اجتماعی را شرط بهره‌مندی مؤمنان از معارف ناب اجتماعی قرآن و تحقق هنجارهای قرآنی در جامعه اسلامی را در گرو آن می‌داند.

قلب اجتماعی^۱

شاه‌آبادی در تحلیل اجتماعی خود از آیه اعتصام، بر این باور است که با مقایسه صدر و ذیل این آیه روشن می‌شود که قرآن ریسمان آویخته الهی از عرش خدا تا عرش قلب‌های به‌هم‌پیوسته مؤمنانی است که براساس برادری با یکدیگر رفتار می‌کنند. او در این رابطه می‌نویسد: «خداوند عالم، قرآن را که حبل‌الله است، از عرش الرحمن نازل فرموده بر عرش اخوت انسان که در حقیقت، الفت قلوب و ارتباط دل‌های مؤمنین است به یکدیگر، تا فهمیده شود که مستقر قرآن و نوامیس الهیه، جامعه اخوت مسلمین است» (شاه‌آبادی، ۱۳۸۰: ۱۶-۱۵).

^۱. Collective hearts

چنگ‌زدن جمعی از مؤمنان به ریسمان خدا مانند یک رشته عرضی است که وقتی در کنار حبل‌الله قرآن به منزله یک رشته طولی قرار می‌گیرد، تاروپود درهم‌تنیده ساختار اجتماعی را شکل می‌دهد که از طریق آن می‌توان در برابر هر آسیب اجتماعی ای ایستاد و آن را اصلاح کرد. به بیان او: «البته نتوان قرآن عظیم را به انفراد نگهداری نمود، بلکه باید به ابادی متحده جامعه اخوت انسانیت، آن را [نگاه داشت؛ چرا که مؤمنین] مادامی که مرتبط نشوند به خیط اخوت، در حکم غیریت و مابینت است و البته جهات مابینه، مؤثر در یک جهت و محصل یک مقصد نخواهد بود» (همان: ۸).

این کلام آیت‌الله شاه‌آبادی را می‌توان در قالب یک سلسله مقدمات قرآنی، چنین توضیح داد: خداوند از مؤمنان می‌خواهد که به قرآن چنگ بزنند و آن را نگه دارند. این چنگ‌زدن از طریق عمل به معارف قرآن و کنشگری براساس آن حاصل می‌شود. برای نگه‌داشتن قرآن، شنیدن قرآن کافی نیست، بلکه باید قرآن وارد قلب انسان شود «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَأَسْمِعُوا قُلُوبًا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأُشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ» (البقره: ۹۳). همچنین از اینکه در این آیه از قرآن به حبل‌الله تعبیر شده، می‌توان فهمید که حیثیت نزولی قرآن در این امر لحاظ شده است و اعتصام در صورتی محقق می‌شود که قرآن بر جان و قلب انسان نازل شود و در آن بنشیند. قلب مؤمن صلاحیت نزول قرآن را دارد (شیرازی، ۱۳۶۳: ۶۵ و ۶۶)؛ زیرا «قلب المؤمن عرش الرحمن» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۵: ۳۹) است. لذا قرآن که حبل‌الله است می‌تواند از عرش الرحمن الهی بر عرش الرحمن قلب مؤمن نازل شود، اما قلب برای اینکه محل نزول قرآن قرار گیرد، نیازمند ظرفیت متناسب با قرآن است؛ چرا که قرآن، هم سخن خداوند عظیم است «وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» (بقره: ۲۵۵) و هم خود پدیده‌ای عظیم است: «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمُ» (الحجر: ۸۷)؛ بنابراین خداوند، از آن به «قول ثقیل» یاد کرده است: «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» (المزمل: ۵). براین اساس، هر قلبی توانایی برقراری ارتباط و دریافت معارف قرآن را نخواهد داشت. فقط قلبی همچون قلب پیامبر که دارای خلق عظیم است «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» (القلم: ۴) این ظرفیت عظیم را خواهد داشت که جایگاه نزول قرآن قرار گیرد «فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ» (البقره: ۹۷). اما قلب مؤمن، هرچند اصل صلاحیت دریافت این قول ثقیل را دارد و درباره مؤمن گفته شده که «المؤمن كالجبل الراسخ» (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۹: ۱۸۱)، اما کلام الهی چنان سنگین و سترگ است که قرآن می‌فرماید: «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» (الحشر: ۲۱). لذا قلب یک نفر به تنهایی ولو قلب موسی کلیم (ع) باشد، توان دریافت قرآن را ندارد؛ چرا که به تعبیر امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه، قرآن تجلی خداوند متعال است: «فتجلی لهم سبحانه فی کتابه من غیر ان یكونوا راه» (رضی، ۱۳۸۷ق: ۱۴۷). به این ترتیب قرآن درباره موسی می‌فرماید: «فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًا وَحَرَ مُوسَى صَعِقًا» (الأعراف: ۱۴۳).

روایات تفسیری ذیل این آیه، موضوع تجلی خداوند بر حضرت موسی (ع) را به این صورت توضیح می‌دهد: حضرت موسی از خداوند خواست که مقام امت آخرین را به او نشان دهد. خداوند فرمود: تو توان دیدن جایگاه آنان را نداری، اما گوشه‌ای از جایگاه و مقام رفیع آنان را که موجب برتری او بر تو و سایر مخلوقاتم شده است به تو نشان خواهم داد. پس خداوند پرده از ملکوت عالم برگرفت و موسی در برابر خود جایگاهی را مشاهده کرد که از شدت نور و نزدیکی آن جایگاه به خداوند، نزدیک بود قالب تهی کند. حضرت موسی (ع) به خداوند عرض کرد: این امت به چه سبب بدین مقام رفیع نائل شدند؟ خداوند پاسخ داد: به سبب خصلتی که در آنان قرار دادم و آن خصلت نیکوی ایثار است (ورام، بی‌تا، ج ۱: ۱۷۳). تأکید بر ایثار که بر پایه عشق و محبت و نماد کنش اجتماعی گرم و نابرابر است، ارتباط میان آیات و روایات با مفاهیم سه‌گانه قلبی را روشن و آن‌ها را با یکدیگر منسجم می‌کند. ایثار از حیث گرایشی خود ریشه در الفت قلوب دارد که مورد تأکید آیه اعتصام است و از حیث زمینه تحقق خارجی که در قالب از خودگذشتگی و مقدم داشتن برادران ایمانی بر خود است، نشانگر رابطه اجتماعی اخوت میان مؤمنان است. در حقیقت، با تأکید بر صفت ایثار، بیشترین توجه به جایگاه قلب و دل که محور این مقاله است شده و از آن در جامعه‌سازی استفاده شده است.

روایت زیر، اوج رابطه اخوت را در امت آخرالزمان نشان می‌دهد. ابوسعید خدری می‌گوید: همان شبی که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به غار رفتند، علی (علیه‌السلام) به جای پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در بسترشان خوابید. خداوند تبارک و تعالی به جبرئیل و میکائیل فرمود: بین شما برادری برقرار کردم، عمر یکی از شما از دیگری طولانی‌تر است. کدام یک از شما حاضر است برای دیگری فداکاری کند و از مقداری عمرش درگذرد؟ هر یک از آن‌ها حیات و زندگی خود را خواستند. خداوند متعال فرمود: شما مانند علی بن ابی‌طالب (ع) نیستید؟ من بین او و پیامبر (ص) برادری قرار دادم و علی (ع) در بستر پیامبر (ص) خوابید و ایثار نمود و جانش را فدای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کرد. به‌سوی زمین بروید و او را از شر دشمنان محافظت نمایید. جبرئیل کنار سر و میکائیل پایین پایشان قرار گرفتند. جبرئیل گفت: خوشا به حال مثل تو ای پسر ابی‌طالب (ع)، خداوند به تو بر ملائکه مباحثات می‌کند. در این هنگام خداوند بر رسولش این آیه شریفه را در شأن علی (ع) فرستاد (یغمایی، ۱۳۷۸: ۳۰).

براساس آنچه گذشت، تجلی قرآن در قلب، کاری بس دشوار است که طاقت و نیرویی عظیم می‌طلبد و هر کسی از عهده آن بر نمی‌آید. با این اوصاف چگونه می‌توان بر این مشکل غلبه کرد و قرآن را بر جان مؤمنان نشانید؟ با توجه به ارتباط میان صدر و ذیل آیه اعتصام، این مشکل قابل حل است. خداوند می‌فرماید: شما مؤمنان باید قرآن را نگه دارید و کاری کنید که این جبل‌الله بر عرش قلب شما نازل شود. به این منظور، خداوند نعمتی را در اختیار شما قرار داده است که با تمسک به این نعمت الهی، این مشکل قابل حل است «وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ» (آل‌عمران: ۱۰۳). این نعمت الهی عبارت از اجتماع قلوب مؤمنان و تشکیل یک هویت جمعی و قلب اجتماعی است. به این ترتیب فرمود: «إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ» (همان). در حقیقت آیت‌الله شاه‌آبادی براساس این آیه شریفه دست به مدلسازی اجتماعی می‌زند که بر پایه اتلاف قلوب و اشتراک‌گذاری گرایش‌های قلبی میان انسان‌ها، در قالب عرش اخوت استوار است (شاه‌آبادی، ۱۴۰۲: ۵۰). این مدل یک مدل‌گرایی عرفانی در قبال مدل‌های معرفتی فلسفی نظیر مدل جهان‌های اجتماعی است که بر پایه معانی بین‌الادهرانی شده میان اعضای یک جامعه استوار است (پارسا، ۱۴۰۱). با اتحاد قوای مؤمنان و تجمیع فضائل اخلاق آنان، قلب اجتماعی به مرتبه‌ای از خلق عظیم دست می‌یابد و این توان برای قلب انسان حاصل می‌شود که در حد خود، محل نزول قرآن قرار گیرد. ارتباط قلبی میان مؤمنان، با تأکید آیه بر الفت و اخوت میان مؤمنان هماهنگ است: «فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (همان). این اخوت خود به‌منزله یک رشته عرضی است که در کنار جبل‌الله به‌عنوان رشته طولی قرار می‌گیرد. در آیه دیگر قرآن به این دو رشته طولی و عرضی یکجا اشاره می‌کند: «صُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَيْنَ مَا تُخَفُّوا إِلَّا بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِنَ النَّاسِ» (همان: ۱۱۲). آن رشته طولی در کنار این رشته عرضی، تاروپود ساختار اجتماعی مستحکمی را در هم می‌تند که چون بر تن مؤمنان راست آید، می‌توان با آن مانند لباس رزم جندالله، به جنگ لشکر کفر و نفاق جهانی رفت و ریشه فساد را در جهان قلع‌و‌قمع کرد. از این طریق، ذلت و زبونی را از امت اسلامی دور ساخت و عزت و عظمت را به آنان هدیه داد.

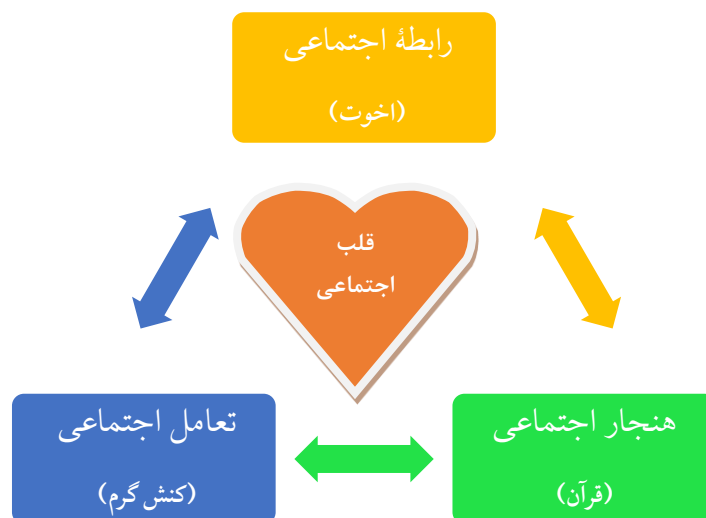
طراحی مدل مفهومی از قلب اجتماعی

مدل آیت‌الله شاه‌آبادی بر پایه پیوند قلوب مؤمنین با یکدیگر استوار است که «قلب اجتماعی» نام‌گذاری شد. قلب اجتماعی دارای ابعاد مختلفی است که در هریک با مفاهیم بنیادین جامعه‌شناسی ارتباط پیدا می‌کند. این مفاهیم بنیادین عبارت‌اند از: تعاملات اجتماعی، رابطه اجتماعی و هنجارهای اجتماعی. قلب اجتماعی بر پایه تعامل این عناصر سه‌گانه شکل می‌گیرد، قوام می‌یابد و مستحکم می‌شود. این مفاهیم سه‌گانه نیز به‌نوبه خود با یکدیگر ارتباط دارند که می‌توان این ارتباطات را در قالب گزاره‌های زیر بیان کرد:

۱. تعاملات اجتماعی ↔ رابطه اجتماعی: تعاملات اجتماعی گرم می‌توانند روابط اجتماعی اخوت را تقویت کنند؛ چنان‌که تعاملات اجتماعی سرد یا خنثی می‌توانند این روابط را تضعیف کنند. روابط اجتماعی اخوت نیز بستر لازم را برای تقویت تعاملات اجتماعی گرم فراهم می‌سازد و تضعیف این روابط، تعاملات خنثی و سرد را تقویت می‌کند.

۲. تعاملات اجتماعی ↔ هنجارهای قرآنی: تعاملات اجتماعی گرم در واقع تحقق عینی هنجارهای قرآنی در جامعه است که این هنجارها را در فضای فرهنگی جامعه استحکام می‌بخشد. از سوی دیگر، هنجارهای قرآنی این ظرفیت را دارد که تعاملات اجتماعی گرم را متناسب با نیازهای فرهنگی جامعه هدایت کنند.

۳. رابطه اجتماعی ↔ هنجارهای قرآنی: روابط اجتماعی اخوت زمینه نزل هنجارهای قرآنی را بر قلب جامعه فراهم می‌سازد و هرچقدر این روابط بیشتر تقویت شوند، معانی عمیق‌تر و ظریف‌تری از آن آشکار می‌شود. برعکس، با عمیق‌تر شدن هنجارهای قرآنی، ابعاد جدیدی از روابط اجتماعی آشکار می‌شود که حضور هماهنگ‌تر این روابط را در فرهنگ جامعه تسهیل می‌سازد. وقتی این سه عامل در تعامل مناسب با یکدیگر قرار بگیرند، مکانیسمی پدید می‌آید که محصول آن اتصال قلوب مؤمنان به یکدیگر و شکل‌گیری قلب اجتماعی است. اگر بخواهیم این مکانیسم را در قالب یک مدل اجتماعی بیان کنیم، می‌توان آن را به شکل مدل مفهومی ۱ ارائه داد.



شکل ۱. مدل مفهومی از قلب اجتماعی (منبع: نگارندگان)

این مدل به پژوهشگران و علاقه‌مندان این حوزه این امکان را می‌دهد تا با کمی‌سازی این عوامل، تأثیرات این متغیرها بر یکدیگر را بررسی و آن را در سطح جامعه ارزیابی کنند. همچنین میزان اثربخشی این عوامل را در کاهش آسیب‌های اجتماعی آزمایش و تحلیل کنند.

نتیجه‌گیری

قلب یکی از مفاهیم کلیدی و بنیادین در قرآن کریم است. همان‌گونه که انسان دارای ابعاد فردی و اجتماعی است، قلب نیز می‌تواند دارای وجوه فردی و اجتماعی باشد. آیت‌الله شاه‌آبادی با بهره‌گیری از برخی آیات قرآنی و روایات و با تکیه بر پیوند میان آن‌ها و فطرت انسانی، مفهومی نو از پیوند قلوب مؤمنان ارائه داده که در این مقاله از آن به «قلب اجتماعی» یاد شده است. او اسلام را دینی با ماهیت اجتماعی معرفی می‌کند و معتقد است بهره‌مندی از هدایت اجتماعی قرآن مستلزم نزول آن بر قلب جامعه است. از منظر او، قرآن برای نزول و تأثیرگذاری اجتماعی خود، نیازمند ظرفی متناسب با خاستگاه عرشی خود است که ظرفیت چنین

امری را داشته باشد؛ ظرفی که آن را «عرش اخوت قلوب مؤمنان» می‌نامد. عرش اخوت، محصول پیوند میان قلوب مؤمنان است. این پیوند به‌مثابه رشته‌ای عرضی، دل‌های مؤمنان را که کانون علایق فطری الهی و منشأ کنش‌های گرم و معنادار در تعاملات اجتماعی‌اند، به یکدیگر متصل می‌سازد. چنین پیوندی زمینه‌ساز تخلق به صفات الهی و آمادگی برای دریافت و درک معارف اجتماعی قرآن است.

در این مقاله، با بهره‌گیری از ادبیات جامعه‌شناختی، رویکرد علمی آیت‌الله شاه‌آبادی در مواجهه با معایب، آسیب‌ها و نقصان‌های اجتماعی تبیین شد. در این راستا، سه مفهوم بنیادین تعامل اجتماعی، رابطه اجتماعی و هنجار اجتماعی با استفاده از کلمات او شناسایی و معادل‌سازی شد. سپس این مفاهیم در قالب یک رویکرد اجتهادی، براساس آیه اعتصام (آیه ۱۰۳ سوره آل‌عمران)، مورد بازخوانی و استنباط قرار گرفت. با تحلیل پیوند و تعامل این مفاهیم، مفهوم جدید «قلب اجتماعی» استخراج شد؛ مفهومی که می‌تواند افق‌های جدیدی را برای پژوهش‌های مفهومی و سنجش تجربی در حوزه مسائل اجتماعی بگشاید.

براساس این مدل، «تعامل اجتماعی مطلوب» به‌عنوان تعاملات و کنش‌های گرم و نابرابر مبتنی بر محبت و اخلاص تعریف می‌شود. «رابطه اجتماعی مطلوب» در قالب رابطه اخوت ایمانی صورت‌بندی می‌شود و «هنجار اجتماعی مطلوب» در تحقق هنجارهای قرآنی در جامعه تجلی می‌یابد. قلب اجتماعی حاصل پیوند این سه مؤلفه است؛ مؤلفه‌هایی که در یک ارتباط دوسویه و دیالکتیکی، تأثیرگذار و تأثیرپذیر از یکدیگرند. این تأثیر و تأثر متقابل قابلیت آن را دارد که در قالب یک مدل مفهومی اجتماعی صورت‌بندی شود و زمینه‌ساز توسعه معارف اجتماعی قرآن و مقابله با آسیب‌های اجتماعی در جامعه را فراهم آورد.

ملاحظات اخلاقی

مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان به طور مساوی در مفهوم‌سازی مقاله و نگارش پیش‌نویس‌های اولیه و بعدی آن مشارکت داشتند.

اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آنهاست.

بیانیه دسترسی به داده‌ها

داده‌های پژوهش حاضر از طریق درخواست از نویسندگان قابل دسترسی است.

حمایت مالی

در نگارش این پژوهش هیچ کمک مالی از سازمان‌های دولتی، عمومی، تجاری یا غیرانتفاعی دریافت نشده است.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در این مطالعه هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد و تمام نویسندگان مقاله را خوانده و با انتشار آن موافقت کرده‌اند.

بیانیه استفاده از هوش مصنوعی مولد

نویسندگان از هیچ ابزار هوش مصنوعی در تولید محتوا و نگارش مقاله استفاده نکرده‌اند.

سپاسگزاری

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

منابع

قرآن کریم

آخوندی، محمدباقر و ایازی، علی‌نقی (۱۳۸۹). مفاهیم اجتماعی در قرآن براساس تفسیر راهنما. قم: بوستان کتاب.

آرون، ریمان (۱۳۶۳). مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهام. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

انصاری مقدم، علی (۱۳۹۸). انسان اجتماعی مبتنی بر نظریه فطرت آیت الله شاه‌آبادی و دلالت‌های آن در گونه‌شناسی کنش اجتماعی. فرهنگ

پژوهش، ۳۸، ۹۹-۱۳۱. <https://www.doi.org/10.22081/fpq.2019.69872>

پارسانیا، حمید (۱۴۰۱). جهان‌های اجتماعی. تهران: کتاب فردا.

دورکیم، امیل (۱۳۶۹). درباره تقسیم کار اجتماعی. ترجمه باقر پرهام. تهران: کتابسرای بابل.

دورکیم، امیل (۱۳۷۸). خودکشی. ترجمه نادر سالارزاده امیری. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

دورکیم، امیل (۱۳۸۳). صور بنیانی حیات دینی. ترجمه باقر پرهام. تهران: مرکز.

رضی، سید ابوالحسن (۱۳۸۷ق). نهج البلاغه. تصحیح: صبحی صالح. بیروت: بی‌نا.

ریترز، جورج (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.

شاه‌آبادی، محمدعلی (۱۴۰۲). شذرات المعارف. تصحیح بنیاد علوم و معارف اسلامی دانش‌پژوهان. تهران: ستاد بزرگداشت مقام عرفان و شهادت.

شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم (ملاصدرا) (۱۳۶۳). مفاتیح الغیب. تصحیح محمد خواجه‌جوی. تهران: مؤسسه تحقیقات فرهنگی.

صدر، سید محمدباقر (۱۳۵۹). انسان مسئول و تاریخ‌ساز از دیدگاه قرآن. ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: بنیاد قرآن.

صدیق اورعی، غلامرضا (۱۴۰۲). مبانی جامعه‌شناسی مفاهیم و گزاره‌های پایه. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۸). ترجمه تفسیر المیزان (ج. ۱-۲). (محمدباقر موسوی، مترجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه

علمیه قم.

فوکو، میشل (۱۴۰۱). ایران روح یک جهان بی‌روح. ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. تهران: نشرنی.

کوزر، لیونیس (۱۳۸۷). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.

مازندرانی، محمدصالح بن احمد (۱۳۸۲ق). شرح کافی الاصول و الروضة. تصحیح علی‌اکبر غفاری. تهران: المكتبة الاسلامیة للنشر و التوزیع.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: بی‌نا.

معرفت، محمدهادی (۱۳۸۸). علوم قرآنی. قم: مؤسسه فرهنگی تمهید.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

ورام، مسعود بن عیسی (بی‌تا). تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام). جلد ۱ و ۲. قم: دارالتعارف، دارصعب، مکتب الفقیه.

یغمایی، ابوالفضل (۱۳۷۸). امام علی (ع) در قرآن از دیدگاه اهل سنت. قم: احسن الحدیث.

یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۴). تحلیل الگوی اقتصادی آیت الله شاه‌آبادی. فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، ۱۵(۵۷)، ۸۷-۱۱۱.

References

- The Holy Qur'an.
- Akhondi, Muhammad-Baqir, & Ayazi, Ali-Naqi. (2015). *Social concepts in the Qur'an based on Rahnama exegesis*. Mashhad: Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi. [in Persian]
- Ansari Moghaddam, Ali. (2020). Social man based on the theory of nature of Ayatollah Shahabadi and its implications in the typology of social action. [Journal Title], 12(38), 99–132. [in Persian]
- Aron, Raymond. (1998). *Main currents in sociological thought*. Tehran: Scientific and Cultural Publications Company. [in Persian]
- Coser, Lewis A. (1971). *Masters of sociological thought: Ideas in historical and social context*. Tehran: Entesharat-e Elmi. [in Persian]
- Durkheim, Émile. (1990). *The division of labor in society* (Bagher Parham, Trans.). Tehran: Ketabsara-ye Babel. [in Persian]
- Durkheim, Émile. (1999). *Suicide* (Nader Salarzadeh Amiri, Trans.). Tehran: Allameh Tabataba'i University. [in Persian]
- Durkheim, Émile. (2004). *The elementary forms of religious life* (Bagher Parham, Trans.). Tehran: Nashr-e Markaz. [in Persian]
- Foucault, Michel. (2022). *Iran: The soul of a soulless world* (Niko Sarkhosh & Afshin Jahandideh, Trans.). Tehran: Nashr-e Ney. [in Persian]
- Kulayni, Mohammad ibn Ya'qub. (1963). *Al-Kafi* (M. S. I. A. Mazandarani, Commentator; A. Ghaffari, Ed.; A. Sha'rani, Annotator). Tehran: Al-Maktabah al-Islamiyyah. [in Persian]
- Majlisi, Mohammad Baqir ibn Mohammad Taqi. (1403 AH). *Bihar al-anwar*. Beirut: n.p. [in Persian]
- Makarem Shirazi, Naser. (1995). *Tafsir-e Nemooneh*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [in Persian]
- Marefat, Mohammad Hady. (2009). *Qur'anic sciences*. Qom: Mo'assese-ye Farhangi-ye Tamhid. [in Persian]
- Parsania, Hamid. (2012). *Social worlds*. Qom: Kitab-e-Farda Publishing. [in Persian]
- Razi, Abolhassan (1967). *Nahj al-Balaghah* (Sharif al-Radi, Comp.; Subhi al-Salih, Ed.). Beirut: n.p. [in Persian]
- Ritzer, George. (2003). *Contemporary sociological theory*. Tehran: Entesharat-e Elmi. [in Persian]
- Sadr, Sayyid Mohammad Baqir. (1980). *The responsible and history-making human from the viewpoint of the Qur'an* (Mohammad Mahdi Fuladvand, Trans.). Tehran: Qur'an Foundation. [in Persian]
- Seddigh Oraei, Gholamreza, Farzaneh, Ahmad, Bagheri, Mahdieh, & Mohammadi, Seyedeh Shiva. (2019). *Principles of sociology: Fundamental concepts and propositions*. Qom: Research Institute of Hawzah and University. [in Persian]
- Shahabadi, Mirza Mohammad Ali, & Shahabadi, Nourollah. (2005). *Fragments of knowledge*. Tehran: Research Institute of Hawzah and University. [in Persian]
- Shirazi, Sadr al-Din Mohammad ibn Ibrahim (Mulla Sadra). (1984). *Mafatih al-ghayb* (Mohammad Khwajavi, Ed.). Tehran: Cultural Research Foundation. [in Persian]
- Warram, Mas'ud ibn Isa. (n.d.). *Tanbih al-khawatir wa nuzhat al-nawazir*. Qom: Dar al-Ta'aruf. [in Persian]
- Yaghma'i, Abu al-Fadl. (1999). *Imam Ali (A.S.) in the Qur'an from the viewpoint of Sunnis*. Qom: Ahsan al-Hadith. [in Persian]
- Yousefi, Ahmadali. (2015). Ayatollah Shahabadi's economic model: An analysis. *Islamic Economics Research Quarterly*, 57, 87–111. [in Persian]